


IRANSCHÄHR

<p>Iranschähr Revue littéraire et scientifique bimensuelle</p> <p>Redacteur et Directeur H. Kazemzadeh</p> <p>Telephon Stefan 3908.</p>		<p>نگارنده و مدیر حسین کاظم زاده - ایرانشهر</p> <p>این مجله عجلاله ماهی یکبار و بعد دو بار نشر خواهد شد</p> <p>قیمت هر شماره در آلمان ۲۰ مارک و در ایران دو قران است</p>
<p>سال اول</p>	<p>برلین — غرة ذی الحجة ۱۳۴۰</p>	<p>شماره ۲</p>
<p>1ère année</p>	<p>Berlin, 26. Juliet 1922</p>	<p>No. 2</p>

مجله ایرانشهر از شماره سیم بید فقط بکسانی فرستاده خواهد شد که وجه آبنونه را مستقیماً و یا بتوسط وکلا پرداخته باشند. قیمت آبنونه برای مشترکین خاک عثمانی نیم لیره انگلیسی است. قیمت آبنونه برای آلمان بجهت ترقی قیمت کاغذ و غیره ۴۰۰ مارک است.

تعلیم و تربیت در میان ایرانیان قدیم

ایرانیان قدیم در اصول تعلیم و تربیت نسبت بدرجه ترقی و تمدن عهد خودشان بر اکثر ملت‌های همجوار خود فایق بودند مثلاً در صورتیکه تعلیم و تربیت در مدنیت قدیم هند منحصر بآداب مذهبی و قواعد دینی بود ایرانیان قدیم آنرا از آن انحصار در آورده شامل امور زندگانی و شئون اجتماعي نیز قرار داده بودند. بنا بشهادت مورخین یونان ایرانیهای قدیم بچه‌های خودشان را در پنج سالگی بدست یک مربی می سپردند و این مربی پیش از هر چیز تفریق کردن خیر و شر یعنی تمیز دادن میان اعمال و اخلاق نیک و زشت را با آنان یاد میداد.

در نظر ایرانیان قدیم مقصد اساسی از تربیت عبارت بود از پرورش دادن بچه بترتیبیکه در میان هیئت جامعه یک عضو کار آمد و کارکن

و دارای فضایل اخلاقی مخصوص بنژاد ایرانی یعنی پندار نیک ، گفتار نیک و کردار نیک بوده باشد .

هر طبقه از ملت بچه‌های خود را در دایره مسلک و حرفت خود تربیت می نمود و چون هر کس و صاحب هر خانواده میکوشید که نام و اشتهار خود را حفظ بکند و بعبارت دیگر اجاق خود را نگذارد خاموش بشود بدینجهت افراد هر طبقه در دایره احتیاجات خصوصی خود یک تربیت خصوصی میدید .

تعلیم و تربیت عالی مخصوص افراد اعیان و اشراف بود و قسمت عمده این تربیت و تحصیل راجع بمشق سربازی و نظام بود چنانکه در آن عهد این مسئله در اغلب ملتهای قدیم اهمیت داشت . تا بیست سالگی این تحصیل عملی امتداد می یافت آنوقت جوانانیکه از عهده امتحان در میآمدند یا بخدمت شاهنشاه انتخاب میشدند و یا در اردوها موظف میگشتند . اسب سواری ، تیر اندازی و شمشیر بازی از ارکان این تربیت شمرده میشد .

خود شاهنشاه این تعلیم و تربیت نظامی را در تحت مراقبت میگرفت و بجوانانی که ابراز لیاقت و رشادت میکردند خلعت می بخشید و آنانرا گرامی میداشت ولی تا این جوانان در کار پخته نشده و تجربه حاصل نکرده بودند کارهای بزرگ بآنان نمی سپرد . اغلب اوقات خود شاهنشاه در موقع شکار این جوانان را همراه میبرد و لیاقت و استعداد آنها را عملاً امتحان میکرد .

ولی چنانکه گفتیم این نوع تعلیم و تربیت مخصوص خانوادههای بزرگ و برای نجبا زادگان بود . افراد طبقات دیگر ملت ازین تربیت محروم بودند . با وجود این سادگی معیشت و صفات موروثه نژادی

و تأثیرات عقاید مذهبی در افراد عامه مات یک اخلاق پسندیده و یک تربیت سزاوار تحسین تولید کرده بود .

چنانکه در نظر ایرانیان قدیم طمع ، دروغگوئی ، ظلم و تعدی و کفران نعمت بی اندازه زشت و مردود بود . هرکسی بایکی از این صفات معروف میشد او را بمجالس رسمی و خصوصی راه نمیدادند و این یکنوع مجازات برای بد کرداران و مکافات برای نیکوکاران بود .

ایرانیان قدیم بچه‌های خودشانرا از کوچکی بتحمل زحمت و مشقت عادت میدادند . فعالیت و کوشش از خصایل فطری آنان بود و بدینجهت در ایران قدیم گدا و در یوزه پیدا نمیشد . هرکس که حرفتی نداشت بایستی بزراعت مشغول بشود و یا کاری پیدا بکند . مردمان بیکار را مضرّ و دشمن برکت می‌شمردند و آنان را از شهرها بیرون میکردند .

از آنجا که زراعت مهمترین اشغال و مایه زندگی اهالی بود بدان اهمیت زیاد میدادند و بلکه پرستش میکردند . بدین مناسبت در میان آنان بعضی مثلها زیانزد بود که در حقیقت شایان دقت و تمجید است . مثلاً میگفتند : « هرکس که خاک را شیار بکند مثل این است که ده هزار قربانی داده است » و هم چنین میگفتند « شیطان وقتیکه یک مزرعه سبزی بیند گریه میکند و بخانه که انبار آن پر از گندم است نمیتواند داخل بشود » .

زن در ادبیات غرب

- ۱ - زن تاج آفرینش است . (هردر)
- ۲ - زن بهترین و آخرین تحفه آسمانی است . (میلون)